

از «تنش زدایی» تا «تعامل سازنده و مؤثر»

بازتاب جهانی شدن در سیاست خارجی خاتمی

جواد سوری

درآمد

جنگ سرد شد. جهانی شدن محیط جدیدی در پایان نظام بین‌الملل مبتنی بر جنگ سرد که با فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ همراه گشت سرآغاز گفتمانهای جدیدی درباره‌ی ماهیت روابط بین‌الملل در دوره‌ی نوین حیات بشری شد. اینکه دنیای بعد از جنگ چگونه تحلیل‌گران روابط بین‌الملل را در شناخت و درک تحولات جدید کمک کند، تبدیل به مباحث پیچیده، گسترده و بعضاً متناقض در بین اندیشمندان رشته روابط بین‌الملل گردید. در این گفتمان جهانی شدن جهت تحلیل وضعیت جدید نظام بین‌الملل روز به روز بیشتر مطرح شد و به عنوان بحث تحلیلی در صدد عرضه ابزار فکری و مفهومی خاصی برای شناخت دنیای بعد از

جنگ سرد شد. جهانی شدن محیط جدیدی در سطح جهانی به وجود آورده که همه‌ی اجزای نظام بین‌الملل متأثر از این محیط هستند. تغییر شرایط جهانی در ابتدای قرن بیست و یکم همه‌ی کشورها را به بازنگری در بینش جهانی واداشته است. جهانی شدن اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات، سبب گرایش بیشتر حکومت‌های اقتدارگرا به دموکراسی، کاهش تعارضات ایدئولوژیک، نزدیکی و هماهنگی بیشتر بین بازیگران بین‌المللی و گسترش همکاری‌های بین‌المللی شده و شرایط داخلی و خارجی کل واحدهای سیاسی بین‌المللی را تحت الشعاع قرار داده است.^(۱) بدیهی است که وقتی در نظام بین‌المللی تحولی رخ می‌دهد

رفتار بازیگران نیز به تبع آن تغییر می‌کند. هر بازیگری به بررسی ارزشها، منافع ملی و ابزار در دسترس خود پرداخته و در صورت مثبت بودن فرآیند حاصله، سعی در تطبیق خود با وضعیت جدید می‌نماید. لذا در اولین اقدام به تدوین راهبرد برای تنظیم روابط بادیگر کشورها و سایر بازیگران نظام بین‌المللی می‌پردازد.

براین اساس فرآیند جهانی شدن هم مفهوم و هم مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی را نیز متحول ساخته، متفکران این حوزه را مجبور به بازاندیشی درباره این مفهوم نموده و سیاستگذاران خارجی کشورها را ملزم به اتخاذ سیاست خارجی کشورشان بر اساس وضعیت نوین کرده‌است. در عصر حاضر حوزه‌ی سیاست خارجی با یک تحول روبه‌رو شده است، سیاست خارجی مفهوم سنتی خود را از دست داده است، بسیاری از مؤلفه‌های تأثیرگذار در اتخاذ آن متحول شده، عناصر جدیدی در اتخاذ سیاست خارجی دارای نقش مؤثر شده‌اند، تمایز بین محیط داخلی و خارجی از بین رفته و سیاست خارجی در یک محیط جهانی شکل می‌گیرد.^(۳) همچنین فرآیند جهانی شدن هم به صورت نیروهای از بالا به پایین و هم از پایین به بالا، هم در سطح فراملی و هم در سطح فروملی بر سیاست خارجی کشورها نیرو وارد می‌کند و بر کشورها در اتخاذ سیاست خارجی فشار می‌آورد.

نگاهی به سیاست خارجی ایران برای تعامل با سایر کشورهای جهان و پیشرفت در

عرصه سیاست خارجی نشان می‌دهد که تصمیم‌گیرندگان کشور دریافته‌اند جهان وارد عرصه جدیدی شده است که وابستگی متقابل و کثرت‌گرایی شاکله آن را تشکیل می‌دهند. بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران نیز به طرح‌ریزی استراتژی سیاست خارجی خود بر مبنای تنش‌زدایی و اعتمادسازی در واکنش به فرآیند جهانی شدن پرداخت.^(۳) در این زمینه روح‌اله‌رمضانی استاد برجسته روابط بین‌الملل، به تغییر پیش‌انگاره‌های سیاست خارجی ایران اشاره می‌کند. به باور او تغییر این پیش‌انگاره‌ها نتیجه انطباق تصویرهای ذهنی دولتمردان با واقعیت‌های بین‌المللی است. در این انطباق علاوه بر کم‌رنگ شدن شناخت احساسی دولتمردان از واقعیتها، نقش عمده را نظام بین‌الملل در ابعاد ساختاری، ارزشی و هنجارها ایفاء نموده است. به بیان دیگر نظام بین‌الملل و ساختار نفوذی آن با ابزارهای برتر واقعیتها را به بازیگران بین‌المللی و واحدهای سیاسی تحمیل نموده و آنها را به اتخاذ سیاستهای داخلی و خارجی هماهنگ با خواسته‌های نظام سوق داده است.^(۴) این مقاله بر آن است تا به بررسی نقش فرآیند جهانی شدن در اتخاذ سیاست خارجی از سوی جمهوری اسلامی ایران بپردازد، بنابراین سعی می‌گردد به این پرسش پاسخ داده می‌شود که جهانی شدن چه نقشی در تحول سیاست خارجی ایران به خصوص در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی داشته است؟

۱- پیشینه

توجه به فرآیند جهانی شدن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و باز تعریف منافع ملی بر اساس وضعیت جدید نظام بین الملل، از سال ۱۳۶۸ در دولت آقای رفسنجانی اتفاق افتاد. به عبارت درست تر گروه مهمی که در این زمینه آغاز کننده مباحث موجود به شمار می‌روند گروه کارگزاران سازندگی می‌باشد. در این دوره بین جامعه‌ی روحانیت مبارز و دولت آقای هاشمی اختلافاتی پیدا شد. این اختلافات بر اثر دو تعبیر از منفعت ملی بود. چند محور اختلاف بر اثر تعبیر مصلحت یا منفعت ملی بین دو گروه وجود داشت که یکی طبعاً ضرورت تجدیدنظر در سیاست خارجی ایران بود، چراکه وقوع جنگ دوم خلیج فارس تغییراتی را در معادلات سیاسی در سطح منطقه و نظام بین الملل به وجود آورد. از سوی دیگر با جهانی شدن فزاینده‌ی فرآیندهای اقتصادی، دیگر دولت‌های ملی قادر نبودند به شیوه‌ی گذشته عمل کنند.^(۵) از این رو شرط لازم برای توسعه یافتگی و توسعه‌ی اقتصادی، تجدیدنظر در سیاست خارجی کشور بود. بنابراین بحث تنش‌زدایی در روابط خارجی ایران پیش کشیده شد، در توجیه بحث تنش‌زدایی، استدلال می‌شد که باید چهره قابل قبول و موجهی از ایران در نزد افکار عمومی جهان ترسیم شود.^(۶) مسئله‌ی دیگر این بود که چگونه می‌توانیم از مقتضیات جدید نظام بین الملل، بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی و گسترش

فرآیندهای جهانی به بهترین شیوه بهره‌برداری کرد. با توجه به اینکه ایران در طی سالهای قبل با مشکلات اقتصادی مختلفی مواجه بود، بحث تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در جهت ترویج و پیشبرد تحولات تکنولوژیک در کشور و تبیین عقب‌ماندگی تکنولوژیک و اقتصادی ایران مطرح شد، که در جهت سیاست‌هایی که سازمان‌های جهانی مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و به طور کلی در جهت منطق اقتصاد جهانی سرمایه‌داری بود.^(۷)

در این دوران، اختلاف نظر بین طرفین بر سر تعهدگرایی و تخصص‌گرایی، نشان از دو تعبیر سنت‌گرایان و راست مدرن در سیاست خارجی و کسب منفعت ملی داشت. استدلال سنت‌گرایان (رادیکالها) این بود که تخصص‌گرایی موجب غرب‌گرایی و گرایش‌های ضد ارزشی و تهاجم فرهنگی می‌شود. در مقابل کارگزاران استدلال می‌کردند که به منظور تأمین، توسعه و پیشرفت اقتصادی، باید از انحصارگرایی و طرد نیروهای مختلف وفادار به اصول انقلاب پرهیز کرد و در سیاست خارجی جهت توسعه تکنولوژیک، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، گسترش ارتباط با نظام اقتصادی جهانی و گسترش صادرات و واردات می‌بایستی تجدیدنظرهای اساسی اعمال نمود و در نگرش ایدئولوژیک گرایانه اولیه تعدیلهایی انجام داد.^(۸)

به طور کلی می‌توان گفت گرایش اولیه ایران به جهانی شدن، (که در زمان دولت آقای رفسنجانی اتفاق افتاد)، جمهوری اسلامی ایران

یک توجه تئوریک و تا حدی عملی به فرآیند جهانی شدن نشان داد. این گرایش با توجه به فروض پیش گفته، در جهت پیشبرد سیاست خارجی و تطبیق ایران با شرایط جهانی بود. در این راستا از لحاظ اقتصادی، اقداماتی در مورد حذف یا تقلیل مقررات گمرکی، تسهیلاتی برای صادرات و واردات در کشور ایجاد شد و ایجاد مناطق آزاد تجاری و نیز اقداماتی در جهت اصلاح نظام ارزشی کشور صورت گرفت که از جهت اقتصادی قابل توجه بود. همچنین اقداماتی در زمینه‌های آزادیهای سیاسی، آزادی مطبوعات و میزانی از تساهل سیاسی و اهمیت به نهادهای دموکراتیک صورت گرفت. همگی این اقدامات با توجه به شرایط و مقتضیات جهانی انجام شد.^(۹)

اما گام مهمی که در جهت پیشبرد منافع ملی در سیاست خارجی ج.ا.ایران در راستای فرآیند جهانی شدن برداشته شد، بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ و با پیروزی آقای خاتمی بود. شرایط نوین جهانی، نیاز به تغییرات جدید با بینش و تفکر جدید، هم در سطح داخلی و هم در سطح سیاست خارجی برای بهره‌مندی از امکانات و موقعیتهای و چگونگی برخورد با مسائل دگرگون شونده جهانی را اجتناب‌ناپذیر گردانید. بروز پدیده‌ی دوم خرداد ۱۳۷۶ و ریاست جمهوری خاتمی، نوعی پاسخ به ضرورت انجام چنین تحولاتی به منظور سازگاری با وضعیت جدید بود. در شرایط جدید، ضرورت پیدا کرد تا اصلاحاتی در مشی نظام حکومتی و همچنین

تغییراتی در روابط خارجی و توجه به سیاست همکاری و مشارکت با اعضای جامعه‌ی بین‌المللی به منظور تأمین منافع ملی دنبال گردد. به عبارت دیگر پذیرش پلورالیسم جهانی و تساوی فرهنگها و دوری جستن از هرگونه حرکت‌های اختلاف‌برانگیز و رادیکالی در سطح خارجی مدنظر دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.^(۱۰) از نظر آقای خاتمی، در سیاست خارجی حرکت باید بر اساس شناخت شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی انجام پذیرد. وی در دیدار با اعضای یک گروه سیاسی و هیئت مؤتلفه اسلامی و تشکلهای همسو اظهار داشت که «تصمیم‌گیری در یک جمع بسته بدون توجه به واقعیت‌های موجود و آنچه در جهان می‌گذرد باعث غرق شدن کسانی می‌شود که به واقعیت‌های موجود جهان توجه نکرده‌اند.»^(۱۱)

روند اخیر تحولی در محتوای سیاست خارجی ایران ایجاد کرد. ایران از توجه صرف به رفع نیاز و کاهش اضطراری که در زمان دولت آقای رفسنجانی دیدگاه این دولت را تشکیل می‌داد، به سمت شناخت شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر جهت داد. به عبارت روشن‌تر، سیاست خارجی ایران در دهه‌ی سوم انقلاب در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی هم از لحاظ بیان (لحن) و هم محتوا با تحول اساسی روبه‌رو شد.

۲- سیاست خارجی ایران در هنگام روی کار آمدن دولت خاتمی
در سال ۱۳۷۶ وقتی دولت جدید آغاز به کار

نمود، ایران در یکی از بحرانی ترین دوره‌ها به لحاظ فشارهای بین‌المللی و انزوای جهانی قرار گرفته بود. آمریکا و اسرائیل در یک مدیریت مسلط و موفق شرایط سختی برای ایران به وجود آورده بودند و کشورهای قدرتمند جهان کم و بیش تحت این مدیریت، علی‌رغم تمام منافعشان، از ایران فاصله گرفتند که در نتیجه این اقدامات تحریم‌های گسترده‌ای علیه کشور، شکل گرفت. چهره‌ای که از جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان ترسیم شده بود، با مفاهیمی چون خشونت، تروریسم، جنایت، ناقض حقوق بشر، نبود آزادی و خفقان، خطری برای امنیت سایر کشورها و نظام بین‌الملل همراه بود که حتی در جهان اسلام هم کم و بیش پذیرفته شده بود. گشوده شدن پرونده‌های جنایی و تروریستی علیه ج.ا.ایران در دادگاه‌های غربی، کاهش سطح روابط کشورهای پیشرفته با ایران، تکرار مداوم و مؤثر اتهاماتی مبنی بر دخالت ایران در امور داخلی کشورهای دیگر، وحشت کشورهای کوچک منطقه از مقاصد توسعه طلبانه ایران، بالا رفتن نرخ ریسک فعالیتهای اقتصادی در ایران و محکومیت‌های گسترش یافته جمهوری اسلامی ایران در سازمانهای بین‌الملل و... وضعیت کشور را در سال ۱۳۷۶ در سطح بین‌المللی ترسیم می‌نمود.^(۱۲)

از آنجایی که کشورها، سیاست خارجی خود را با توجه به فضای بیرونی و داخلی خویش تنظیم می‌کنند بنابراین، انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ بازتاب نگرش نوینی در مسائل

بین‌الملل و تغییرات اساسی در تنظیم سیاست داخلی بود. با در نظر داشتن این نکته که اساساً سیاست خارجی جهتی است که دولتها بر می‌گزینند و برای تحقق آن، از خود تحرک نشان می‌دهند و نیز شیوه‌ی نگرش آن دولتها به جامعه بین‌المللی است، بنابراین نوع سیاست خارجی و نیاز به طرح سیاست خارجی و نیت ایران در این برهه دارای اهمیت می‌گردد. این نیاز از آنجا ناشی می‌شود که دولت همان گونه که «لنین» گفته است یک جزیره منزوی نیست، بلکه عضوی از جامعه دولتهاست که شرکت در آن غیر قابل پرهیز است. از این رو دولتها با توجه به سنتهای تاریخی - فرهنگی، موقعیت جغرافیایی، ارزشها و اعتقادات، افکار عمومی و خواست مردم و نیازهای داخلی و همچنین ساختار نظام جهانی، سیاست خارجی خویش را تنظیم می‌نمایند.^(۱۳) بر همین اساس خاتمی در سخنرانی خود در جمع نمایندگانهای خارج از کشور در سال ۱۳۸۲ می‌گوید: «انقلاب در فن‌آوری ارتباطات و طرح مسائل جهانی شدن، برای نظریه پردازان پرسش بنیادینی به وجود آورد که روزنه جهان جدید به کدام منظر باز خواهد شد.» این نگرش نشان از این موضوع داشت که شرایط بین‌المللی و جایگاه ایران در برهه کنونی می‌بایستی در اتخاذ سیاست خارجی مورد دقت قرار گیرد.^(۱۴)

آنچه تصمیم گیرندگان کشور لازم بود به آن توجه نمایند این نکته بود که دولتها می‌توانند با تکیه بر وجهه مثبتی که از خود نزد دولتهای

دیگر ایجاد می‌کنند، در بسیاری مواقع بدون ایجاد تغییرات جدی و پرهزینه در سیاستهای اجرائی خود، به اهدافی که دارند نایل شوند. البته این اصل منوط به جلب اعتماد و باور جامعه بین‌المللی نسبت به چنین چهره‌ای است. به گونه‌ای که کشور مورد نظر بتواند دیگر بازیگران را در پذیرش این چهره قانع سازد. بنابراین چنان که یک دولت در عرصه بین‌المللی چهره صلح‌طلب و مدافع آزادی و حقوق بشر کسب کند و دیگران را قانع سازد که به طور پیوسته به این اصول پایبند مانده است، می‌تواند از این وجهه در روابط خود با دیگر کشورها استفاده نماید.^(۱۵) دولت آقای خاتمی هم با توجه به وضعیت جمهوری اسلامی ایران و انزوای این کشور و همچنین توجه به فرآیندهای نظام بین‌المللی سعی نمود، چهره مثبتی از جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی به نمایش بگذارد، بنابراین، از طریق اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها تا حدی موفق به این امر گردید.

۳- اصول سیاست خارجی خاتمی

دربرداشت کلی از دودهه (۱۳۵۷-۱۳۷۶) سیاست خارجی ج.ا.ایران در طول بخش اعظم دهه نخست انقلاب، آرمان‌گرایان انقلابی عملاً برداشت موجود از جهان را مردود شمرده و اصرار داشتند که دیدگاه خودشان جانشین آن شود؛ دیدگاهی که حول برپایی نظم جهانی اسلامی از طریق پی‌گیری نوعی سیاست خارجی

مقابله‌جویانه در قبال شرق و غرب همراه با جهاد پرخاش‌جویانه برای صدور انقلاب اسلامی از طریق تبلیغات - و نه چنان که امام خمینی (ره) دستور داده بود از راه ایجاد سرمشقی نیکو از رفتار اسلامی - دور می‌زند. این خط مشی به زیان مصالح کشور و آرمانهای اسلامی بشر دوستانه آن، ایران را در انزوای بین‌المللی قرار داد. در دهه‌ی دوّم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز کمابیش از این الگو اطاعت می‌کرد که تقریباً از دهه ۱۳۷۰ نوعی سیاست خارجی عملگرا سرمشقروابط خارجی ایران با دیگر کشورها قرار گرفت. به واقع پایان جنگ سرد، جنگ سال (۱۹۹۷/۱۳۷۰) خلیج فارس و فروپاشی شوروی آرام‌آرام ولی به شکل قاطع آموزه‌ها و رویه‌های عملی ایران را در عرصه‌ی سیاست خارجی دگرگون می‌سازد. اصل محوری سیاست خارجی ایران در دوران رهبری امام خمینی (ره) یعنی «نه شرقی، نه غربی» چه در نظریه و چه در عمل در سیاست خارجی ایران تحت اصل تازه‌ای قرار می‌گیرد که می‌توان آن را به گفته پروفیسور روح‌اله رضانی: «هم شمالی، هم جنوبی» خواند. همچنین الگوی رادیکال صدور انقلاب هم دچار تعدیل شده و واقع‌گرایی عمل‌گرایانه جای آن را می‌گیرد.^(۱۶) علی‌رغم این تغییرات وجود برخی از عناصر انقلابی (سیاست خارجی آرمان‌گرایانه) در سیاست خارجی ایران در دهه‌ی دوم انقلاب اسلامی موجب شد که جمهوری اسلامی در موارد زیادی نتواند خود

را با شرایط متحول بین‌المللی منطبق نماید و به کارگیری ارزشهای ایدئولوژیک همچنان به عنوان منبع تهدید از سوی نظام جهانی معرفی می‌گردد.

این سمت‌گیریهای سیاست خارجی برای ایران دو نتیجه در برداشته است. رژیم انقلابی باید با واقعیتهای جهان نو کنار بیاید، همچنین نحوه‌ی کنار آمدن با خود را بیاموزد. به طوری که حضرت امام خمینی (ره) در اواخر دهه‌ی (۱۳۷۰/۱۹۸۰) پی برد و اعلام نموده برای کنار آمدن با دنیا برداشت ایران باید چگونه باشد: «امروز دنیا مانند یک عائله و یک شهر است» و همچنین این جمله که «امروز در یک کشوری زندگی می‌کنیم که نمی‌توانیم از دنیا منعزل باشیم» که هاشمی‌رفسنجانی از آن به دنیای به هم وابسته یاد می‌کند. در واقع در این دوره مؤلفه‌های جهانی و نظام بین‌الملل و در واقعیت امر تحولات جهانی سیاست خارجی ایران را تا حدی تحت تأثیر قرار می‌دهد و با ورود به دهه‌ی سوم انقلاب اسلامی دوران جدیدی از سیاست خارجی ایران آغاز می‌شود. بروز پدیده‌ی دوم خرداد ۱۳۷۶ و ظهور محمد خاتمی در عرصه سیاسی ایران، همچنان که نوعی پاسخگویی به ضرورت انجام تحولات و تقاضاهای ایرانیان برای خروج از وضعیت نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی بود، تلاش برای عبور از انزوای بین‌المللی ایران با به کارگیری اصل تنش‌زدایی و اعتمادسازی در روابط با سایر کشورها است. نگرش جهانشمول خاتمی

در برقراری صلح، گفتگو و تفاهم در سطح جهانی، بر پایه دو هدف «تنش‌زدایی» در روابط کشورها و «گفتگوی تمدن‌ها» استوار است. این دو هدف بر پایه اصل «عزت» و «مصلحت» و «حکمت» پایه‌های سیاست خارجی ج.ا.ایران در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی را تشکیل می‌دهد.

۳-۱- تنش‌زدایی

تنش‌زدایی در روابط کشور به معنی روی آوردن به سیاست خارجی‌ای است که مبتنی بر سازگاری، همزیستی و همکاری در روابط با کشورهای دیگر می‌باشد. چنین سیاستی سعی دارد با اصلاح نارساییها، نابسامانیها و مشکلات جامعه در پرتو رعایت و به کارگیری اصول دموکراسی، رفاه عمومی اعتدالی فرهنگ جامعه را تأمین کند و در عرصه بین‌الملل با پیروی از اصول همزیستی، همکاری و همگرایی، بر اساس اعتماد و حسن نیت، روابط با کشورها را توسعه دهد و برخوردهای دوستانه و تعامل را جایگزین روابط خصمانه و تقابل کند و بدین ترتیب گامی به سوی نظام صلح بین‌الملل بردارد.^(۱۷) سیاست خارجی مبتنی بر اصل تنش‌زدایی از دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی آغاز گردید ولیکن به صورت جدی این اصل از سال ۱۳۷۶ محور سیاست خارجی دولت خاتمی قرار گرفت. از دیدگاه خاتمی، سیاست تنش‌زدایی به این معناست که ج.ا.ایران در سیاست خارجی خود درصدد اعتمادسازی

و رفع سوء تفاهمات انباشته از گذشته است. و سعی دارد تا به برخورد و کشمکش در روابط خارجی پایان دهد. چنین سیاستی با فاصله گرفتن و پرهیز از خشونت، خودبینی و تحریک دیگران، کشورها را به همکاری متقابل فرا خوانده و راه را به سوی همگرایی و همکاری همه جانبه در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی هموار می کند. رئیس جمهوری اهداف سیاست تنش زدایی ج.ا.ایران را تأمین، تقویت، توسعه و تثبیت امنیت و منافع ملی اعلام می کند.^(۱۸)

گسترش روابط با کلیه کشورهای جهان بر اساس احترام متقابل، منافع مشترک و نفی هرگونه سلطه پذیری و تأکید بر نهادینه شدن مقررات حقوق بین الملل، تلاش در جهت کاهش تنش در سطح منطقه ای و بین المللی، تقویت انسجام و وحدت کشورهای اسلامی از جمله اولویتهای سیاست خارجی مبتنی بر تنش زدایی است.^(۱۹)

۲-۳- گفتگوی تمدنها

پیشنهاد گفتگوی تمدنها که سید محمد خاتمی رئیس جمهوری ایران در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در سال (۱۹۹۸/۱۳۷۷) مطرح نمود، در واقع در واکنش به نظریه های پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما و برخورد تمدنهای ساموئل هانتینگتون می باشد. وی در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۷۷ پیشنهاد نامگذاری سال ۲۰۰۱ به عنوان «سال گفتگوی تمدنها» را مطرح ساخت که با تصویب قاطع مجمع عمومی روبه رو شد. از نظر خاتمی،

سیاست خارجی ایران پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ مشروعیت اثباتی را جایگزین مشروعیت سلبی یعنی دوری کردن از دشمن تراشی و طرح شعارهای پرخاشگرانه و تحریک کننده نموده این سیاست خارجی در واقع نشانه ای آگاهی و اشراف خاتمی به وجود دو مشکل اصلی در روابط خارجی ایران بود:

۱- روابط ایران با دنیای خارج دچار تنش است که ادامه ی این امر به زیان ایران تمام خواهد شد.

از دیدگاه ایشان گفتگوی تمدنها یک بیانیه‌ی سیاسی است که تمامی جوامع و تمدنها را از خشونت و دشمنی به تحمل و همبستگی فرا می‌خواند. یعنی اینکه ضمن پذیرش تنوع میان تمدنها، پذیرش الگوی رفتار مصالحه‌جویانه را به جای الگوی تعارض و مناقشه در سیاست خارجی و روابط خارجی می‌پذیرد.^(۲۳)

رئیس‌جمهوری گفتگوی تمدنها را طرحی نو برای جهان و حاکم کردن گفتگو به جای زور و خشونت چه در حد صحنه‌های ملی و چه جهانی بر پایه‌ی برابری انسانها و تفاهم و بر پایه‌ی منطق در نظر می‌گیرد.^(۲۴)

از لحاظ زمانی این نظریه در بهترین زمان ممکن ارائه شده، چرا که با فروپاشی نظام دو قطبی، فرصتهای جدید برای بازیگران بین‌المللی فراهم شده است و هر یک می‌توانند با استفاده به موقع و صحیح از این فرصتها و طرح دیدگاههای جدید، در جهت تأمین منافع خود تلاش کنند. خاتمی معمار گفتگوی تمدنها با طرح به موقع این نظریه و همگام با خواسته‌های جهانی، توانسته است قدم مؤثری در زمینه کاهش تشنج و بی‌اعتمادی در سطح جهان بردارد و ی با نگاهی به وضعیت نابسامان جهان در آستانه‌ی ورود به قرن جدید، اعتقاد دارد گفتگو و تفاهم به منزله‌ی جایگزینی برای خشونت بیش از همیشه به صلح پایدار و همزیستی نیازمند است.^(۲۵)

خاتمی در توضیح پیشنهاد خویش می‌گوید: «در عرصه‌ی فکری و فرهنگی، ما گفتگوی میان فرهنگها، ادیان و تمدنها را به جای برخورد تمدنها پیشنهاد می‌کنیم. می‌توانیم فرهنگهای خودمان را داشته باشیم، دینهای خودمان را داشته باشیم، هویت خودمان را داشته باشیم، اما دوست باشیم، با هم سخن بگوییم، با هم بحث کنیم و در این بحث و تبادل است که فرهنگهای خودمان را متکامل کنیم، اصلاح کنیم، بگیریم، بدهیم و اقتباس کنیم؛ گفتگوی تمدنها، فرهنگها و دینها به جای برخورد و ستیز آنها با یکدیگر. خاتمی بر عکس نظریه برخورد تمدنها، نتیجه روابط و تعامل میان فرهنگها، ادیان و تمدنها گوناگون را تنها برخورد و چالش نمی‌داند، بلکه

پروفسور رضوانی در تأیید این ایده می‌گوید: «آقای خاتمی برخورد تمدنها را رد می‌کند و از

اصل گفتگوی بین مذاهب، فرهنگها و ملتها استقبال می‌کند، او به وابستگی متقابل جوامع، فرهنگها و اقتصادها اعتقاد دارد، و از یک «سیاست خارجی فعال وقاطع» حمایت می‌کند. او معتقد است که این سیاست بر مبنای فقدان خشونت و داشتن روابط گرم و دوستانه با همه کشورها باشد. جهان‌بینی در حقیقت صلح‌آمیز آقای خاتمی و تعهدش به دموکراسی نشان می‌دهد که او در تلاش تعقیب یک سیاست خارجی است که بر مبنای این حکم کلی که در نظام بین‌المللی دموکراسی نسبت به حکومت‌های استبدادی با اشتراک جمعی و صلح‌آمیزی بیشتری رفتار می‌کنند. وی سپس می‌افزاید گفتگوی تمدنها با محور قرار دادن، ۱- عدم اتکا به واقع‌گرایی جزم‌اندیشانه ۲- آغوش گشودن بر فرهنگ جهانی ۳- فرض ایجاد یک فرهنگ جهانی با افزایش دایره شمول سازمانهای بین‌الملل و هواداری از ایجاد جامعه‌ای مردم‌سالارتر در سطح بین‌المللی و ملی، استقبال و توجه همگان را به خود جلب نمود. (۲۶)

در واقع می‌توان گفتگوی تمدنها را به لحاظی محور سیاست خارجی دولت آقای خاتمی نیز قلمداد کرد، زیرا در مرحله نخست توسط ایشان و سپس در سطوح مختلف، از سوی دولت و اندیشمندان جامعه ایرانی این مهم و در فرصتهای مناسب پی‌گیری شد. جدی‌ترین این تلاشها، ابتدا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران در سال ۱۳۷۶ و سپس در پنجاه و سومین دوره مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال

۱۹۹۹ صورت گرفت که با استقبال برخی از شخصیت‌های سیاسی و علمی جهان از جمله کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد روبه‌رو شد که از آن به عنوان ابتکاری شجاعانه یاد کردند. (۲۷)

راهبرد آقای خاتمی در تکیه بر گفتگوی تمدنها در سیاست خارجی را می‌توان در دو زمینه تفکیک نمود:

۱- راهبرد بلندمدت: تکیه بر گفتگوی تمدنها و استفاده از تأثیر تمدن اسلامی و ایرانی به نفع سیاست خارجی، به عبارت دیگر با تصحیح و ارائه دیدگاه اسلامی و ایرانی چهره‌ای موجه در محیط بین‌المللی از جمهوری اسلامی ایران ترسیم شود. این اقدام کارآمدی سیاست خارجی را در صحنه‌ی روابط بین‌الملل تسهیل نمود. و استفاده از زمینه‌ها و فرصتهای مناسب برای بهره‌وری را امکان‌پذیر می‌سازد.

۲- راهبرد کوتاه مدت: در کوتاه مدت آقای خاتمی سعی نموده است سیاست خارجی را از حالت انفعالی به وضعیت فعالی و پویا سوق دهد. به این جهت با استفاده از زمینه مناسب که پس از انتخابات ریاست جمهوری در صحنه بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم شد، درصدد بود که دیدگاه کشورهای مختلف را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد. (۲۸)

چنین طرز تلقی از صلح و گفتگو مورد قبول اکثریت اعضای جامعه جهانی قرار گرفته است، به نحوی که در آستانه‌ی قرن جدید و هم‌زمان با طرح گفتگوی تمدنها در حاشیه‌ی اجلاس

هزاره‌ی سوم در سازمان ملل متحد، این موضوع از نوعی بینش سیاسی خارج شد و به کنش فعال در سطح بین‌المللی تبدیل گردید و در دستور کار سازمان ملل و نهادهای تابعه آن قرار گرفته است. در این اجلاس اکثر قریب به اتفاق رهبران و سران کشورها و همچنین شخصیت‌های بین‌المللی، ایده گفتگوی تمدنها را تحسین کردند و خواستار تحقق آن شدند. «اندرو ریدالف» نماینده یونسکو در سازمان ملل متحد بر نقش مهم گفتگوی تمدنها در کاهش تنشها و درگیریهای جهانی تأکید می‌کند.^(۲۹) همچنین گفتگوی تمدنها، توانست موفقیتها و دستاوردهایی را کسب و فضای بین‌المللی را برای تحرک سیاست خارجی ایران مناسب‌تر نماید. اعتماد کشورهای مسلمان به خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس به ایران افزایش یافت، روابط با اتحادیه اروپا از گفتگوی انتقادی به گفتگوی سازنده تغییر جهت یافت. گفتگوی تمدنها به عنوان یک متغیر مستقل، بر سیاست خارجی به عنوان یک متغیر وابسته، تأثیر مثبتی گذارد و سیاست خارجی ج.ا.ایران را در صحنه‌ی بین‌المللی فعال و پویا نمود.

۴- دلایل تأثیر سیاست خارجی ایران از روند جهانی شدن

فارغ از نحوه‌ی نگرش رهبران به نظام بین‌الملل که نقش عمده‌ای در رویکرد سیاست خارجی ایران به مفاهیم و مؤلفه‌های جهانی شدن داشته است. دلایل دیگری نیز در توجه تصمیم‌گیرندگان کشورمان به پدیده جهانی شدن نقش داشته است.

۱- عدم موفقیت سیاست خارجی ایران در دو دهه‌ی گذشته، که نتوانست انتظارات را برآورده سازد، به عوامل زیر بستگی داشت:

- الف- تعدد نهادها و تشکیلات تأثیرگذار در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی و عدم هماهنگی و ارتباط بین آنها.
- ب- آرمانگرایی در سیاست خارجی، که در مواجهه با محیط بین‌الملل با واکنش مواجه گردید.

۳-۳- تعامل سازنده و مؤثر (مسائل هسته‌ای) در اوایل سال ۸۲، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پیش‌نویس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را تقدیم مقام رهبری نمود و توسط ایشان تصویب و ابلاغ گردید. این سند حاوی نکات مهم و تعیین‌کننده‌ای در حوزه‌های مختلف بود و به

واقعتهای موجود بود زیرا ساختار اقتصادی ایران با وجود برخورداری از شرایط بالقوه، فاقد پویایی، تحرک و انعطاف پذیری لازم بود. از این رو مهم ترین عامل رونق اقتصادی و یا ارتقاء منزلت ایران در اقتصاد جهانی، نگاهی برون‌گرایانه به هدف اتصال سنجیده و کارآمد به اقتصاد جهانی و جذب سرمایه گذاری خارجی است. این مهم علاوه بر تغییر بینش نخبگان سیاسی و تصمیم گیری در سیاست خارجی و توجه آنها به اهمیت عوامل اقتصادی در عصر حاضر و فراهم ساختن یا اصلاح ساختارهای قانونی، امنیتی و اعتباری اقتصاد ملی، مستلزم فعال شدن دیپلماسی اقتصادی^(۳۱) به امید تسهیل و جلب سرمایه گذاری خارجی، گسترش تولید و افزایش اشتغال همراه با رفع مشکلات اقتصادی بود، همچنین از طرفی ساز و کارهای اقتصاد جهانی نیز ایران را جهت ادغام در اقتصاد جهانی، مجبور می ساخت و سبک جدیدی از روابط با دیگر کشورها را در سیاست خارجی بر دولت ایران تحمیل می نمود.^(۳۲)

از این رو تصمیم گیرندگان سیاست خارجی ایران برای جلوگیری از انزوای فزاینده در دنیای سبیرتیک، می بایستی سیاست برون‌گرایی جهت افزایش رشد ناخالص ملی از یک سو و تکوین فرآیند جذب سرمایه گذاری خارجی را پیشه می کرد، زیرا حلقه‌های ارتباطی بالقوه نظام بین الملل متغیرهایی هستند که تنها در صورت آزاد شدن آنها و بالفعل شدن این استعدادها درونی می توان همگام با جهان در

ج- تجدیدنظرطلبانه بودن تصمیمات سیاست خارجی که به عبارتی ناسازگار و متعارض بودن آن با قواعد نظام بین المللی است.

د- غیرانطباقی بودن تصمیمات، در واقع رفتار سیاست خارجی حکومتها زمانی انطباقی است که از عهده تحولات و دگرگونیهای رخ داده در محیط خارجی برآمده و در جهت تأمین منافع ملی خود سوق دهد. تصمیمات سیاست خارجی ایران در موارد زیادی نتوانست خود را با شرایط متحول بین المللی منطبق نماید.

این مسائل که ریشه در عدم توجه ج.ا.ایران به نظام جهانی داشت دولت را به تجدیدنظر در مسائل داخلی و روابط خارجی واداشت. ضمن اینکه پیروی از سیاست بی‌اعتنایی به ترتیبات بین المللی هیچ یک از خواسته‌های بین المللی ایران را تأمین نکرده بود و تحت تأثیر این عوامل دولت ج.ا.ایران با اکراه و اجبار واقعتهای نظام بین المللی را پذیرفت و برای سامان دادن به اوضاع داخلی و کسب اعتبار بین المللی، اصلاح طلبی سیاسی در امور داخلی و تنش زدایی در روابط خارجی را سرلوحه کار خویش قرار داد.^(۳۰)

۲- مسائل اقتصادی، در عصر جهانی شدن و وابستگی متقابل، که ضرورت همکاری بین المللی ایران با جهان را لازم می ساخت. مستلزم تغییر جهت سیاست خارجی رادیکالی و انقلابی به سیاست خارجی منطقی و توجه به

حال تغییر و همگن با نیازهای جامعه جهانی حرکت نمود از طریق اتخاذ سیاست خارجی مناسب در عصر وابستگی متقابل و همچنین تأکید بر سیاست برونگرایی اقتصادی به اهداف اقتصادی نظیر جذب سرمایه گذاری خارجی، ورود به بازار جهانی تجارت و در نهایت توسعه اقتصادی نایل آمد و این مستلزم ایجاد تغییراتی در مشی سیاست خارجی در عصر جهانی شدن بود و عباراتی دیگر جهانی شدن ما را ناگزیر به پذیرش مؤلفه‌های جدیدی در سیاست خارجی خود گردانید. جهانی شدن اقتصاد و وابستگی متقابل اقتصادی موجب شد سیاست خارجی ایران هم از بُعد بینش و هم اجرای سیاست خارجی، به طور نسبی تغییراتی را در خود به وجود آورد و سیاست خارجی ایران ناگزیر به لحاظ کردن عوامل اقتصادی در اتخاذ تصمیم‌گیری در روابط خارجی خود شد.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران جهت برقراری روابط اقتصادی با کشورهای همسایه خود به خصوص منطقه خاورمیانه، اتحادیه اروپا و قدرتهای اقتصادی دیگر و جلب اعتماد آنها از طریق تعامل با جهان، سیاست خارجی تنش‌زدایی در روابط خود با دیگر کشورها را در پیش گرفت، هر چند اجرای این سیاست در ابتدا دستاوردهای آن بیشتر جنبه سیاسی داشت اما تداوم این سیاست به گسترش روابط اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای دیگر کمک نمود. و موفق به افزایش اعتبار بین‌المللی اقتصاد ایران شد. این سیاست به کاهش بحرانها و تنشهای

فی مابین ایران و کشورهای مختلف و در جهت ایجاد آرامش و ثبات سیاسی و امنیتی به ویژه در منطقه و کشورهای همسایه زمینه را برای همکاریهای اقتصادی تاحدودی فراهم نمود. (۳۳)

پدیده‌ی جهانی شدن موجب پیدایش متغیرهای جدیدی در محیط بین‌المللی و در عرصه‌های گوناگون اقتصادی و فرهنگی، سیاسی و... گردید که کشورهای به اصطلاح انقلابی را ملزم می‌کند با توجه به نوآوریهای نظم جدید واکنشی بهنگام و عقلایی ارائه دهند. بهره‌گیری از فرصتهای پیش آمده از طریق اتخاذ سیاستهای واقع‌بینانه در روابط خارجی و همچنین ایجاد تغییراتی در رفتارهای دولت برای همگون کردن سیاست خارجی، با نظام بین‌المللی به معنی پذیرش فرآیند جهانی شدن است. سیاست خارجی ایران در سالهای اخیر حکایت از آن دارد که در جهت کاهش تنشها سیر می‌کند و عناصر بازدارنده در روند بهبودی مناسبات، روز به روز به موضع دفاعی سقوط کرد. ایران با تعقیب سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی و اصلاح ساختار اقتصادی و لیبرالیزه کردن امور داخلی سعی نمود به جایگاه برتری در روابط بین‌المللی دست یابد. تنش‌زدایی واکنشی به پدیده‌ی جهانی شدن جهت ایفای نقش در دنیای وابستگی متقابل بود. (۳۴)

۵- جهانی شدن و گفتگوی تمدنها

در سالهای اخیر به لحاظ تحولات گسترده‌ی جهانی، جهانی شدن اقتصاد، سیاست، فرهنگ

و انقلاب اطلاعاتی و ارتباطاتی روندهای موجود در سطح جهان نه تنها گسترش و تعمیق پیدا کرده‌اند، بلکه با چنان شتاب فزاینده‌ای به پیش می‌روند که در عمل جهان با پدیده‌ای نو روبه‌رو شده است. پدیدارهایی مانند مدیریت امور جهانی، حل و فصل اختلافات ناشی از تداخل منافع، نگرشها و سیاستها این نتیجه را در برداشته که مسائل فوق در قالب نظام وستفالی یعنی نظام دولت-ملت‌ها و سازمانهای بین‌المللی دولت قابل حل نیست. از همین رو سازمانهایی تازه با اعضای جدید و با استفاده از فرآیندهای نو عهده‌دار مشکلات و نیازهای فزاینده مدیریت امور جهانی شده‌اند. در مورد نحوه‌ی فعالیت و چگونگی روابط میان این سازمانهای جدید، فرهنگ خاصی وجود دارد. فرهنگ فوق همان فرهنگ جامعه مدنی است که در قالب مفاهیمی مانند گفتگو، توافق، بردباری، تنوع، کثرت و احترام به حقوق و آزادی دیگران تعریف می‌شود. فرهنگ فوق در رفتار دولت‌ها و دیگر بازیگران بین‌المللی تحولی ماهوی ایجاد کرده و از همین رو تحلیلهای سنتی روابط بین‌الملل رفته رفته کارکرد خود را از دست داده است. نهادهای جدید خطوط و مجاری جدید برای ارتباطات در سطح جهان ایجاد و به این وسیله سطح تحلیل سنتی در روابط بین‌الملل را دگرگون کرده‌اند.^(۳۵)

نقش پدیده‌ی جهانی شدن در طرح ایده‌ی گفتگوی تمدنها را می‌توان از دو زاویه بررسی نمود. اولاً روندهای جهانی مانند جهانشمول شدن حقوق بشر، دموکراسی و جامعه مدنی

تأثیر و نفوذپذیری گفتگوی جهانی فشارهایی را بر روی حاکمیت دولت‌ها وارد کرده است که سبب می‌شود تا در گذر زمان فرآیندهای سیاسی

جهانی، کشورها را در برقراری روابط با سایر بازیگران نظام بین‌الملل ناگزیر به پذیرش قواعد فوق که بر اساس گفتگو و دیالوگ بنا نهاده شده است کرده است. در نظام نو مدیریت که در بستر جامعه مدنی جهانی عمل می‌کند گفتگو از مجرای گفتگو، عقل-به معنای استدلال و قانع کردن - نقش رو به افزایشی در روابط بازیگران بین‌المللی ایفاء می‌کند. این مسئله سبب شد ج.ا.ایران در جهت سیاست تنش‌زدایی خود و جلب اعتماد بین‌المللی با کشورهای دیگر به گفتگو بپردازد، که این خود زمینه را برای طرح چنین ایده‌ای مهیا نمود. ثانیاً، در دوران کنونی، رایانه‌ها، سیستم‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی جهانی و مخصوصاً اینترنت این امکان را برای همگان، فراهم کرده‌اند که بتوانند آراء و عقاید خود را به اطلاع جهانیان برسانند، به دنبال چنین تحولاتی است که دولت ج.ا.ایران نیز توانسته است ایده‌ی گفتگوی تمدنها را به گوش جهانیان برساند و از ابزارهای گسترده اطلاع‌رسانی جهانی بهره‌مند گردد. در این راستا آقای خرازی وزیر امور خارجه اظهار می‌دارد: «امروز برای غلبه بر چالشهای جدید، گسترش روابط با دیگر کشورها و کسب منافع ملی خویش نیازمند به گفتگو، کسب اطلاع و بینش و توسل به روشهای نوین دیپلماسی هستیم. و گفتگوی تمدنها به عنوان نیاز امروز بشر، چاره‌ساز پیشبردها و اهداف کشور است.»^(۳۶) بنابراین انزواگرایی گزینه غیرعملی در جهان کنونی است که در مطلب بعدی رابطه این موضوع

سیاست خارجی ایران شرح داده می‌شود.

۶- جهانی شدن و تعامل مؤثر و سازنده بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ساله، در سال ۱۴۰۴

ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل خواهد بود.

ویژگیهایی که این سند برای ایران ۱۴۰۴ بر می‌شمارد، به نحو هوشمندانه‌ای از تحولات جهانی و به ویژه فرآیند جهانی شدن بهره‌مند گردیده است. به موجب این سند، جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگیهایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و...
- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فن‌آوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.
- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.
- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.

- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.
- دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.
- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، و...
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت و ملاحظه.
- در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد: شاخصهای کمی کلان آنها از قبیل، نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهکهای بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و تواناییهای دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاستها و هدفها به صورت کامل
- مراعات شود.
- شایان ذکر است این چشم‌انداز مبنای تنظیم سیاستهای کلی چهار برنامه پنج ساله آینده خواهد بود و افق جهت‌گیری کلی فعالیتهای کشور را در ابعاد مختلف در ۲۰ سال آینده مشخص می‌نماید.
- تردیدی نیست که هدایت دولت خاتمی در فرآوری و آماده نمودن مقدمات و اسناد پیش‌نیازی این سند، تا چه اندازه تعیین‌کننده بوده و بنابراین دستیابی به این سند و همچنین عملکرد سیاست خارجی دو سال پایانی خاتمی براساس این سیاست، خود گام مهمی دانسته می‌شود.
- ۷- سیاست خارجی ج.ا.ایران و گزینه انزواگرایی در عصر جهانی شدن**
- جهانی‌شدن از یک طرف با دیکته کردن استراتژیهای سیاست خارجی و توسعه به کشورهای به اصطلاح در حال توسعه تأثیری جدی به یکسان‌سازی جامعه بشری و از سوی دیگر موجبات گسترش دیپلماسی چندجانبه و بزرگ‌تر کردن و مهم‌تر شدن نقش سازمانهای بین‌المللی را فراهم نموده است، به نحوی که تمام واحدهای سیاسی و جامعه جهانی از جمله ایران در شکل دادن به هنجارهای نوین بین‌المللی در قالب ملاقاتها و رفت و آمدهای دوجانبه و چندجانبه مؤثر صاحب نقش بوده‌اند. این رابطه دیالکتیکی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را می‌توان در روابط کشورها در دو دهه‌ی اخیر به خوبی ملاحظه کرد. وضعیت

نظام بین‌المللی به گونه‌ای است که اگر کشوری بخواهد به عنوان یک قدرت و یا بازیگری منطقه‌ای به رسمیت شناخته شود ناگزیر است در امور داخلی و روابط خارجی، فرمهای جهانی شدن را با اکراه و اجبار بپذیرد. بنابراین کشوری که می‌خواهد از نظر بین‌المللی به کسب و ارتقاء اعتبار پردازد، نمی‌تواند از سیاست خارجی انزواطلبی یا تحریک‌کننده بر پایه اصول انقلابی و رادیکال پیروی کند. بلکه مجبور است با پیروی از سیاست همزیستی و گفتگوی متقابل بهره‌بردار.

استراتژی انزواگرایی در عصر جهانی شدن فقط محدودیتها را می‌بیند و مبنای آن ترس است. ترس از دست دادن آنچه که سیاستگذاران دارند، استراتژی انزواگرایی نه تنها بازیگران خود را از اثرگذاری محروم می‌سازد، بلکه نهایتاً اثرپذیر و اثرپذیرتر خواهد شد. بازیگرانی که استراتژی حضور فعال در صحنه‌ی جهانی را اتخاذ می‌کنند، فرصتها را در می‌یابند یا آنها را ایجاد می‌کنند. این دسته از بازیگران به میزان توانمندیهای خود در شکل‌گیری ساختارها و فرآیندهای جهانی و در شکل‌گیری قوانین و رویه‌های بازی سیاست جهانی مؤثر واقع می‌شوند. اصل تنش‌زدایی به عنوان یکی از اصول استراتژیک سیاست خارجی ایران مستلزم مشارکت و همکاری با نظام بین‌الملل و دیگر بازیگران در این عرصه می‌باشد و عمل در چهارچوب آن نمی‌تواند گزینشی باشد، نمی‌توان بخشهایی از جهان را نادیده گرفت، در حالی که همان بخش که از فرآیند تنش‌زدایی جدا مانده است در فرآیند جهانی شدن و در سیاست خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفاء می‌کند.^(۳۷)

جمهوری اسلامی ایران برای تطبیق خود با جهانی شدن اقتصاد و ادغام در نظام اقتصاد جهانی و پذیرش برنامه‌های تثبیت اقتصادی و تعدیل ساختاری، می‌باید در سیاست خارجی خود موضعی همکاری جویانه اتخاذ نماید، زیرا برنامه‌های فوق، باز بودن درهای کشور به روی بازارها، سرمایه‌ها، سرمایه‌گذارها و فن‌آوری جهانی را ایجاب می‌کند.^(۳۸) بنابراین لازم بود برای گریز از انزوا، سیاست خارجی ج.ا.ایران موضع همکاری جویانه‌ای با نظام بین‌الملل اتخاذ نماید و مستلزم این امر هم دوری گزیدن از جهت‌گیریهای تجدیدنظرطلبانه و رادیکالی بود. روح‌اله‌رمضانی در این خصوص معتقد است: «امروزه ایران انقلابی نمی‌تواند خود را به طور کلی از روند جهانی شدن دور نگه دارد، هر چند ممکن است دست به گزینش مؤلفه‌هایی بند که آنها را با ارزشهای خود سازگارتر می‌بیند.»^(۳۹)

البته می‌بایستی در نظر داشت که نگرش تصمیم‌گیرندگان در خصوص جهانی شدن و تغییر و تحولات نظام بین‌الملل در اتخاذ جهت‌گیریها در سیاست خارجی بسیار با اهمیت می‌باشد. آن چنان که روح‌اله‌رمضانی در کتاب چهارچوبی تحلیلی برای بینش سیاست خارجی ایران می‌نویسد:

«انتخابات دوران ساز حجت‌الاسلام محمد

خاتمی به ریاست جمهوری ایران موجب شد نگرش ج.ا.ایران در سیاست خارجی و رابطه‌ی خود با دیگر بازیگران نظام بین‌الملل تعدیل یابد. این تغییر نگرش ایران موجب شد که از جهت تغییر ایستارهای دولتهای منطقه و کشورهای اروپایی و نیز بسیاری از سازمانهای بین‌المللی در قبال ایران انقلابی، این کشور یک شبه ره صد ساله را پیماید»^(۴۰)

در پایان باید گفت ج.ا.ایران بر اساس پیش فرضهای فوق، جهت گریز از انزوا و انفعال در سیاست خارجی خویش ابتدا بر اساس اصل تنش‌زدایی در پی برطرف نمودن تنشهای موجود با کشورهای دیگر بوده و سپس با طرح ایده‌ی گفتگوی تمدن‌ها سعی در ارتقاء منزلت خویش در نظام بین‌الملل و ایفای نقشی فعال در نظام بین‌الملل نمود. و نهایتاً با ایده‌ی «تعامل سازنده و مؤثر» وارد پروسه برخورد فعال، داد و ستد و طرفه (که حاصل غیر صفر داشته باشد) و دستیابی به سطوح بالاتر منافع ملی، گردید.

۸- موانع اجرای سیاست خارجی دولت خاتمی

اگر چه سیاست خارجی ایران بر اساس فشار نیروهای جهانی شدن در روند خود عناصری از منطق و اعتدال در روابط با دنیای خارج را مد نظر قرار داده است و لیکن مواردی چون طرز تلقی و بینش نخبگان، ایدئولوژی‌گرایی و عدم نهادینگی و انسجام در سیاست خارجی، موانعی را در اجرا و عملی نمودن آن ایجاد نموده‌اند آن

گونه که هر چه به پایان دوره دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی نزدیک می‌شویم نتایج اقدامات او در سیاست خارجی کشور کم رنگ‌تر می‌گردد. در زیر اجمالاً به این موانع خواهیم پرداخت. تجربه پرونده هسته‌ای ایران نشان داد که هرگاه این تعدد به هر دلیل به وحدت به همراه مدیریت هوشمندانه برسد، می‌تواند ابتکار عمل را به دست گیرد.

الف- تعدد مراکز تصمیم‌گیری در خصوص سیاست خارجی

یکی از مشکلات اساسی و جدی موجود در عرصه سیاست خارجی ایران دوگانگی و یا حتی چندگانگی تصمیم‌گیری در این مقوله است. نتیجه آن نیز عبارت از انجام کارها و اقدامات مشابه و موازی در کشورهای خارجی و بعضاً به وسیله چند نهاد مختلف و بدون انجام هماهنگیهای لازم با یکدیگر است. این امر باعث شده است این نهادها در رسالتهایی که برای خویش قائل هستند بر اساس بینش و دیدگاه خود دست به اقدام بزنند.^(۴۱) از این رو مشکلاتی را برای اجرای یک‌پارچه سیاست خارجی کشور به وجود می‌آورند.

ب- موانع بینشی

در عامل قبلی به تعدد مراکز تصمیم‌گیری در سیاست خارجی اشاره شد. این تعدد مراکز که هماهنگ با هم نیز عمل نمی‌نمایند، هر کدام دارای بینش خاصی درباره‌ی سیاست خارجی

می‌باشند. بنابراین سیاست خارجی ج.ا.ایران نتیجه تعامل پیچیده و چندسطحی میان بازیگران حکومتی و غیر دولتی است. این بازیگران هر کدام اهداف متفاوت و بعضاً متضاد را پی‌گیری می‌نمایند. به صورت کلی دو دیدگاه راجع به سیاست خارجی ایران وجود دارد که ریشه در دو دیدگاه اسلامی یا ایرانی دارد. هویت اسلامی و هویت ایرانی، حاکمیت در دیدگاه این دو دسته از یکدیگر مجزاست.

گروه اول هویت اصلی جمهوری اسلامی ایران را برخاسته از انقلاب اسلامی با هدف بازگشت به ارزشهای اسلامی می‌داند. این دسته برای بقای نظام جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌نماید که: حفظ توده‌های مسلمان در

کشورهای اسلامی به عنوان متحدین ایمانی و ایجاد روابط نزدیک با کشورهای اسلامی و مبارزه با استکبار و قدرتهای سلطه‌جو باید در دستور کار سیاست خارجی ج.ا.ایران قرار گیرد.

گروه دوم بر این باورند که ایران دولت - ملتی مانند دیگر واحدهای سیاسی در جهان امروزی است و باید در صحنه‌ی بین‌المللی یک بازیگر عمده باشد. آنان تأکید می‌کنند که تجارت بین‌الملل، ایجاد روابط سیاسی و عملی کردن طبق اصول روابط بین‌الملل مهم‌ترین ابزار در جهان معاصر برای حفظ منافع ملی ایران است.^(۴۲) این امر باعث شده است مراکز دیگری که در اتخاذ سیاست خارجی دخالت دارند با نگرش دولت در خصوص سیاست خارجی مخالفت کنند، تا جایی که گروه اول سیاست

خارجی دولت را با ادعای ارزشی نقد می‌کنند. آنان انعطاف دشمنان یا رقیبان را نشان عقب‌نشینی یا انفعال ج.ا.ایران تلقی می‌کنند و با قیاس عملکرد دهه اول و دوم و با حال حاضر و عدم تکرار روشهای سالهای آغازین پس از انقلاب را نشان از فاصله گرفتن از هنجارهای ارزشی تلقی می‌کنند. آنها شیوه‌ها و پدیده‌های دوران اولیه انقلاب را ارزش و عدم اهتمام نسبت به آنها را غیر ارزشی تلقی می‌کنند.^(۴۳) آنها نسبت به عملکردهایی که در حوزه‌ی سیاست خارجی برخلاف اعتقاداتشان صورت گیرد، موضع‌گیری کرده و برای آن مشکلاتی ایجاد می‌نمایند.

ج- ایدئولوژی گرایی

به نظر می‌رسد پس از انقلاب اسلامی، همواره بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حلقه‌های ایدئولوژیک حاکم بوده است و هیچ‌گاه در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری به مرز عملگرایی نرسیده‌ایم. بی‌تردید هر چه از سالهای اولیه انقلاب اسلامی فاصله می‌گیریم این حلقه‌ها کم‌رنگ می‌شود ولی هرگز از ذهنیت نخبگان ما خارج نشده است. در اینجا منظور از ایدئولوژی گرایی، تأکید بر بنیانها و مبانی دینی سیاست خارجی نمی‌باشد، بلکه منظور ایدئولوژی برخاسته از احساسات و شور انقلابی است که می‌خواهد همه چیز را در هم شکند و در نظام بین‌الملل طرحی نو درافکند، در سیاست خارجی دولت خاتمی، اگر چه نقش

ایدئولوژی گرایي کم رنگ شده است، ولی هنوز نشانه‌های آن مخصوصاً محور استکبار ستیزی، به نحو بارزی در سیاست خارجی ایران مشاهده می‌شود.^(۴۴) ایدئولوژی گرایي در سیاست خارجی موجب واکنش بازیگران دیگر، صحنه روابط بین‌الملل می‌شود و آثار و نتایج سیاست تنش‌زدایی را کم اثر می‌نماید.

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ماهیتی

استراتژیک دارد. تصمیم‌گیری راهبردی مستلزم

درک و شناخت صحیح فرصتها، محدودیتها و

تهدیدها است. یکی از مهم‌ترین آسیبهای

سیاست خارجی ایران عدم مدیریت و

تصمیم‌گیری راهبردی به معنای عدم استفاده از

فرصتهای موجود و محدودیتها و رفع تهدیدها و

موانع بوده است. در اکثر موارد سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران واکنشی، انفعالی،

کنش‌پذیر و فاقد کنش‌مندی و کنشگری بوده

است. این به سبب نبود انسجام و نگرش

استراتژیک در سیاست خارجی می‌باشد که در

برابر اتفاقات و حوادث بین‌المللی و فعالیتهای

دیگر بازیگران به صورت دفعی واکنش نشان

می‌دهد. حتی این واکنشها هم در حوادث

مشابه در برابر بازیگران مختلف هم یک پارچه

و همگون نمی‌باشد.^(۴۶) بنابراین در عصر

جهانی شدن ارتباطات که باید از فرصتها استفاده

نمود و تهدیدها را دفع نمود و با یک استراتژی

یک پارچه و همگون به استقبال آن رفت. این

عوامل در سیاست خارجی می‌تواند مانع از

برآورده شدن خواسته‌های دولت گردد.

د- امنیتی کردن مسائل

عموماً در کشورهای جهان سوم و خصوصاً در

جمهوری اسلامی ایران به مسائل گوناگون در

حوزه‌ی سیاست خارجی و خارج از مرزها به

دیدهای امنیتی می‌نگرند و آن‌هم امنیت در مفهوم

سنتی که جنبه‌ی سخت‌افزاری و میلیتاریستی

داشت تا امنیت در مفهوم نوین که مسائل

اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیک را در بر

می‌گیرد. بر همین اساس به رویدادها و کنش و

واکنش و اقدامات سایر دولتها در جهت کسب

منافع ملی‌شان به دیدگاه توطئه و تهدیدی علیه

کشور خویش می‌نگرند و در مقابل آن

موضع‌گیری کرده و واکنشهای تندوپرخاشگرانه

نشان می‌دهند. این هم‌خود می‌تواند مانعی برای

جلب اعتماد و اطمینان جامعه‌ی بین‌المللی و

دیگر بازیگران نظام بین‌الملل برای همکاری و

پیشبرد منافع ملی و سیاست خارجی شود.

ه- فقدان نهادینگی و پیوندیافتگی

نهادینه نشدن سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری

سیاست خارجی در قالب ساختارهای نظام‌مند،

فرجام

سیاست خارجی انقلابی و رادیکال ج.ا.ایران بر اثر توجه تصمیم‌گیرندگان دستگاه سیاست خارجی به عوامل نظام گرایانه و محیط بین‌الملل در دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی به طور نسبی معتدل گردید و سپس در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن و توجه بیشتر به فرآیندهای نظام بین‌الملل به سمت گیری میانه‌روی، جهت جلوگیری از تهدیدها و استفاده از فرصتها و حضوری فعال برای کسب منافع ملی در سطح بین‌المللی روی آورد. سیاست تنش‌زدایی در جهت کاهش تنشها و کنشی به پدیده جهانی شدن و ایفای نقش در دنیای وابستگی متقابل بود، همچنین طرح ایده‌ی گفتگوی تمدنها، برای خروج ایران از انزوا در دنیای وابستگی متقابل در جهت سیاست تنش‌زدایی و جلب اعتماد بین‌المللی و به عنوان ابزاری نوین در دیپلماسی و گفتگو با کشورها در نظر گرفته شد. در نهایت با سیاست «تعامل سازنده و مؤثر» دولت خاتمی به سوی حضور فعال در عرصه جهانی، قدم گذاشت که نخستین عرصه تحقق این سیاست را در پرونده هسته‌ای ایران، شاهد بودیم.

پانوشتها

۱. مهدی فاخری، «جهانی شدن و سیاست خارجی، با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال چهارم، تابستان ۱۳۷۹، ص ۵۷۶.
۲. «جهانی شدن و اثرات آن در ایران»، مجله نگرشی بر تحولات سیاسی، بهمن و اسفند ۱۳۷۹، ص ص ۴۳-۴۴.
۳. «گزارش چهارسال سیاست خارجی ایران»، روزنامه همشهری، ۸۰۳۳۴.
۴. علی‌رضا ازغندی «پدیده جهانی شدن و تنش‌زدایی»، مهدی ذاکریان، سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران، جلد اول، (تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۱)، ص ۲۷.
۵. حسین بشیریه، «جایگاه منافع ملی در سیاست‌گذاری داخلی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ص ۷۱-۷۰.
۶. حسین بشیریه، «تحول خود آگاهیها و هویت‌های سیاسی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۲۳.
۷. حسین بشیریه، «جایگاه منافع ملی در سیاست‌گذاری داخلی ایران»، ص ۷۱.
۸. حسین بشیریه، «تحول خود آگاهیها و هویت‌های سیاسی در ایران»، ص ۱۲۴.
۹. حسین بشیریه، «جایگاه منافع ملی در سیاست‌گذاری داخلی

- ایران، ص ۷۲.
۱۰. کیهان بزرگر، «ایران و عربستان»، مهدی ذاکریان، **ارزیابی سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب نظران**، جلد دوم (تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۰) ص ۸۱-۸۰.
۱۱. بیژن اسدی، «ایران و خلیج فارس: سیاست تنش زدایی، گفتگوی تمدنها، مناسبات جدید و صلح و امنیت منطقه»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال چهاردهم، شماره ۴ زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۰۱۲.
۱۲. محسن امین زاده، «سیاست خارجی دولت اصلاحات موفقیتها و چالشها، حیاتی نو در روابط ایران و فرانسه»، مهدی ذاکریان، **سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب نظران**، جلد اول، (تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۰)، ص ۹۱-۹۰.
۱۳. مهدی ذاکریان، «حیاتی نو در روابط ایران و فرانسه»، **سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب نظران**، جلد دوم، (تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۰.
۱۴. «سخنرانی محمد خاتمی در گردهمایی نمایندگهای خارج از کشور»، **روزنامه اطلاعات**، ۱۳۸۲/۵/۲۶.
۱۵. مهدی ذاکریان، پیشین، ص ۱۰۴-۱۰۳.
۱۶. روح اله رضانی، **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، ترجمه علی رضا طیب، (تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۱)، ص ۸۱.
۱۷. کیهان بزرگر، «خاتمیسم، الگوی جدید در مناسبات بین المللی»، مهدی ذاکریان، **سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب نظران**، جلد اول، (تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۰)، ص ۱۶۱.
۱۸. همان، ص ۱۶۱.
۱۹. علی رضا ازغندی، «تنش زدایی در سیاست خارجی مورد جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال سیزدهم، زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۰۴۵.
۲۰. بیژن اسدی، پیشین، ص ۱۰۰۹.
۲۱. همان.
۲۲. «سخنرانی محمد خاتمی در گردهمایی نمایندگهای خارج از کشور»، **روزنامه اطلاعات**، ۱۳۸۲/۵/۲۶.
۲۳. علی اصغر حق دار، **گفتمان فرهنگی سیاسی خاتمی**، (تهران: انتشارات شفیعی، ۱۳۷۸)، ص ۱۱۰.
۲۴. بیژن اسدی، پیشین، ص ۱۰۱۱.
۲۵. کیهان بزرگر، پیشین، ص ۱۶۷-۱۶۶.
۲۶. کیهان بزرگر، پیشین، ص ۱۶۵-۱۶۴.
۲۷. روح اله رضانی، «گفتگو: نیاز به نظریه»، ترجمه علی رضا طیب، **ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، سال پانزدهم، شماره ۱۶۸-۱۶۷، مهر و آبان ۱۳۸۰، ص ۱۰-۸.
۲۸. احمد دانیالی، «آرمان جهانی در گفتگوی تمدنها»، **روزنامه ایران**، ۱۳۸۲/۴/۱۷.
۲۹. زیبا فرزین نیا، «کارآمدی گفتگوی تمدنها در سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷، ص ۳۳۴.
۳۰. کیهان بزرگر، پیشین، ص ۱۶۷.
۳۱. علی رضا ازغندی، **پدیده جهانی شدن و تنش زدایی**، ص ۳۱-۳۲.
۳۲. معاونت سیاست خارجی مؤسسه تحقیقات استراتژیک، «ایران، دیپلماسی اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۲۴-۱۲۵.
۳۳. علی رضا ازغندی، پیشین، ص ۳۰-۳۱.
۳۴. معاونت سیاست خارجی مؤسسه تحقیقات استراتژیک، پیشین، ص ۱۲۴.
۳۵. علی رضا ازغندی، پیشین، ص ۳۸.
۳۶. زیبا فرزین نیا، پیشین، ص ۳۳۰.
۳۷. سخنرانی آقای کمال خرازی در گردهمایی نمایندگهای خارج از کشور، **روزنامه اطلاعات**، ۱۳۸۲/۵/۲۶.
۳۸. داریوش اخوان زنجانی، **جهانی شدن و سیاست خارجی**، (تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۱)، ص ۲۱.
۳۹. محمد حاجی یوسفی، «جهانی شدن اقتصاد، بین المللی شدن دولت و همکاری مورد جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه رهیافتهای سیاسی و بین المللی**، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۰۵-۱۰۲.
۴۰. روح اله رضانی، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۱۷.
۴۱. همان.
۴۲. بیژن اسدی، «موانع و مشکلات داخلی فرا راه سیاست خارجی دولت خاتمی»، مهدی ذاکریان، **سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب نظران**، جلد اول، (تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۱)، ص ۷۹.
۴۳. عباس ملکی، «فرآیند تصمیم گیری در سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۰۵-۱۰۴.
۴۴. محسن امین زاده، پیشین، ص ۱۱۳-۱۱۱.
۴۵. پژوهشکده مطالعات راهبردی، **ایدئولوژی گرایبی در سیاست خارجی ج.ا.ایران**، (پژوهش انجام شده)، ۷۸/۱۲/۱۵، پیشین، ص ۱۳.
۴۶. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران روندها و بازتابها»، **فصلنامه خاورمیانه**، سال نهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۱، ص ۳۳-۳۲.
۴۷. همان، ص ۲۴-۲۳.